

دکتر عبدالرضا فروغی مبارکه

استفاده‌های

دست و نادرست از

ضرب هوش

زمانی تصور می‌شد بعضی بچه‌ها زرنگ و برخی تنبل هستند. همچنین تصور می‌شد که بچه‌های زرنگ پرتلاش هستند و دیگران چنین نیستند. هرچه آموزش و پرورش عمومی بیشتر گسترش می‌یابد این اشتباه مشخص‌تر می‌شود. صاحب نظران در آموزش و پرورش با سؤالاتی از این قبیل مواجه هستند که آیا افراد با تواناییهای خاص متولد شده‌اند؟ آیا این تواناییها را می‌توان در سالهای اولیه زندگی سنجید تا شاید بتوان پیشرفت در آینده را قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کرد؟ آیا عامل فقر در فرایند رشد هوش تأثیر دارد؟

بر طبق نظریه "آلفرد بینه" دانشمند فرانسوی (۱۹۱۱ - ۱۸۵۷) خوب قضاوت کردن، خوب درک کردن، خوب استدلال کردن، لازمه هوش است. این دانشمند اولین کار مهم در زمینه اندازه‌گیری هوش را انجام داد. او رشد و پیشرفت دختران خودش را بررسی کرد و سینی را که آنها قادر به انجام کارهای خاص بودند مورد توجه قرار داد. سپس با مشاهده کودکان دیگر و تبادل نظر با والدین و معلمان، آزمون هوشی خود را شامل مجموعه کارهایی که به نظر او متناسب با هر سن خاصی بود، ابداع کرد. در یک آزمون بازسازی شده که هنوز به نام اوست، کارهایی که تصور می‌شد متناسب با سن ۳ سالگی است عبارتند از:

۱- نخ کردن مهره‌ها

۲- ساختن برج، پل و مانند آن با استفاده از

مکعبها

- ۳- نام بردن تصاویر حیوانات
- ۴- کپی کردن از یک شکل دایره
- ۵- کپی کردن از یک خط عمودی
- ۶- نام بردن تصاویری از اشیای معمولی (مورد استفاده در زندگی روزمره).

در سال ۱۹۱۶ میلادی "ترمن" ۳ استاد دانشگاه استنفورد در آمریکا آزمونهای "بینه" را بازسازی کرد و آنها را طوری توسعه داد که برای سنین ۳ سالگی تا بزرگسالی قابل استفاده باشد. این آزمون، آزمون هوشی "استنفورد - بینه" نامیده شد که به صورت یک آزمون استاندارد درآمد و هنوز هم یک آزمون خوب



استفاده از آزمونهای هوشی را در امتحانات ورودی آغاز کردند و تاکنون نیز کم و بیش آنها را مورد استفاده قرار می دهند. نتایج کاربرد صحیح این گونه آزمونهای هوشی برای معلمان، مشاوران راهنمایی شغلی، دادگاهها و مراجع حقوقی، مهم یا لافل قابل توجه تلقی می شود.

نمودار زیر میزان پراکندگی ضریب هوشی را در جامعه مشخص می کند. برطبق کاربرد روشهای آماری، نمره ۱۰۰ متوسط محسوب می شود.

به شمار می رود. در همان سال دانشمند دیگری به نام "آرتوراس اوتیس" از آمریکا اولین آزمونی را که می توان در مورد یک گروه به کاربرد، ساخت. این آزمون گرچه به اندازه آزمون هوش فردی استنفورد - بینه دقیق نیست، ولی استفاده های با ارزشی را برای پرسنل ارتش موجب شد؛ به طوری که حدود دومیلیون سرباز اعزامی در سال ۱۹۱۷ که آمریکا آنان را وارد جنگ جهانی اول کرد به وسیله این آزمون مورد آزمایش قرار گرفتند. پس از این جنگ بعضی مدارس در انگلستان و جاهای دیگر

ضریب هوشی	ردیف	درصد جمعیت
۱۳۰	بسیار سرآمد	$\frac{۲}{۳}$
۱۲۰	سرآمد	$\frac{۶}{۳}$
۱۱۰	بالتر از متوسط	۱۶
۱۰۰	متوسط	۵۰ درصد جمعیت در این ردیف هستند
۹۰	پایین تر از متوسط	۱۶
۸۰	کودن	$\frac{۶}{۳}$
۷۰	معلول ذهنی	$\frac{۲}{۳}$

درک مطالب در آن سطح را دارند و نیز می دانند که ده نفر هم بالاتر از سطح متوسط قرار دارند که اگر او بخواهد برای آنهایی که دیر یاد می گیرند صبر کند، اینان خسته و در نتیجه بی توجه خواهند شد.

گروه بندی دانش آموزان بر اساس تواناییهای آنها در کلاسهای مختلف راه حل کاملاً مناسبی نیست، زیرا مطالب مورد یادگیری تحت تأثیر تفاوتهای فردی دانش آموزان که نقش مهمی در آموزش و پرورش کودکان دارد، قرار می گیرد. به عنوان نمونه، به یک کلاس پنجم سؤالاتی در زمینه اعداد کسری داده می شود و بچه ها بر اساس درکشان از مطالب گروه بندی می شوند. گرچه ما اطمینان داریم که کودکان در کلاسهای کوچک و متجانس خیلی سریع پیشرفت خواهند کرد، اما بعد از هر درس متوجه می شویم که بعضی کودکان مفاهیم جدید را یاد گرفته اند و برخی دیگر این طور نیستند. به عبارت دیگر به تعداد بچه ها سطوح یادگیری در آنان متفاوت است.

مفهوم این نمودار این است که در یک گروه چهل نفری از کودکان می توان انتظار داشت که میزان پراکندگی بدین صورت درآید:

۱ نفر بسیار سرآمد

۳ نفر سرآمد

۶ نفر بالای متوسط

۲۰ نفر متوسط

۶ نفر زیر متوسط

۳ نفر کودن

۱ نفر آموزش ناپذیر

مفهوم دیگر جدول فوق این است که اگر این چهل کودک ده ساله باشند عملکرد آنها یعنی کارهایی که می توان انتظار انجامشان را از آنها داشت، بین سنین ۱۳ و ۷ سالگی متغیر خواهد بود.

معلمی که در چنین کلاسی تدریس می کند احتمالاً سطح تدریس او برای گروهی که ۵۰ درصد از دانش آموزان کلاس را تشکیل می دهند مناسب خواهد بود، ولی این معلم می داند که ده نفر از بچه ها توانایی اندکی برای



آیا ضریب هوشی موفقیت تحصیلی را پیشگویی می‌کند؟

برای ارزیابی استعداد تحصیلی، آزمونهای متعدد و متنوع هوشی ساخته شده است. این آزمونها بر طبق روش اجرای آنها تحت عناوین

آزمونهای انفرادی و گروهی طبقه‌بندی می‌شوند که به علت حفظ محدودیت این مقاله امکان تشریح جزئیات مربوط به تمام انواع یا تمام تفاوت‌های آنها نیست.

آزمون هوش انفرادی اصولاً در شرایط بالینی به توسط آزمایشگری که کارآموزی

وسیع و جامعی در اجرا و تفسیر چنین آزمونهایی را دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. دو نمونه از این آزمونهای فردی که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد آزمون هوشی "استفورد - بینه" و آزمون هوشی "وکسلر" است. یکی از آزمونهای وکسلر ویژه کودکان است که در سنین ۱۱ ماهگی و ۵ تا ۱۵ سالگی به کار برده می‌شود. آزمون دیگر "وکسلر" در واقع آزمون "وکسلر - بلویو"^۷ است که بازسازی شده و تحت عنوان آزمون هوشی "وکسلر" برای بزرگسالان بین سنین ۱۶ تا ۶۴ سالگی به کار برده می‌شود. در آزمون بینه و آزمونهای "وکسلر" از مفاهیم کلامی و تمرینهای عملی برای تخمین زدن هوش فرد استفاده می‌شود.

گرچه معتبرترین وسیله‌ای که در اختیار یک روان‌شناس قرار دارد آزمون هوشی است، اما تشخیص میزان هوش تنها بر مبنای آزمون هوشی، ممکن است منجر به خطا شود. این یک واقعیت است که آزمونهای هوشی عموماً بسیار غلط به کار برده شده‌اند و این کاربرد غلط بیشتر به علت برداشت و یا استنباط غلطی است که برخی از افراد حرفه‌ای و عامه مردم داشته‌اند. از زمانی که چنین آزمونهایی ساخته شده و توسعه یافته است، عامه مردم با ولع برای یافتن جوابهای ساده و راه‌حلهای آسان به آنها متشبث شده‌اند. حتی بهترین آزمون هوشی می‌تواند خطاهایی از ۵ تا ۱۰ نمره داشته باشد. همچنین به علت دخالت عوامل فرهنگی در نمرات ضریب هوشی، ممکن است کودکان بطور غلط برچسب زده شوند.

"آنتونی بارنت" خاطر نشان می‌کند: "آزمونهای هوشی که به کودکان پنج یا شش ساله داده می‌شود مطلقاً قدرت پیشگویی

ندارند. همبستگی نتیجه این آزمونها با آزمونهای بعدی آن قدر کم است که این آزمونها را از اعتبار می‌اندازد... رشد عقلانی کودکی ممکن است در خردسالی سریع باشد و بعداً به کندی گراید، در حالی که در کودکی دیگر عکس آن باشد. درحقیقت ضریب هوشی کودکان طبیعی ممکن است ظرف چند سال تا ۵۰ عدد تغییر کند^۸. "در سنین بالاتر آزمونهای هوشی ممکن است تا حدی قدرت پیشگویی داشته باشد، اما این آزمونها هیچ‌گاه نمی‌تواند چیزی بیش از یک راهنمایی کلی و تقریبی برای شناسایی استعدادهای کودک باشد. مسأله مهم تعبیر و تفسیری است که از نتایج تست‌های هوشی به عمل می‌آید. در یک آزمون شاید دانش آموز سعی کافی نکرده است، شاید حالش خوب نبوده، یا دچار اضطراب و نوعی نگرانی بوده است. تفسیر صحیح نمره‌های آزمون مستلزم شناختی کامل از آزمون، فرد مورد آزمایش و شرایط مؤثر در آزمون است.

اجرای فقط یک آزمون هوشی می‌تواند گمراه کننده باشد. استفاده از چندین آزمون در شرایط مختلف می‌تواند اطمینان مناسبی را فراهم کند. به عنوان مثال یک شیوه از کاربرد آزمونهای هوشی می‌تواند به صورت اجرای سه آزمون در آغاز کلاسهای سوم، چهارم و پنجم دبستان باشد. پاسخ آزمونها گرچه ممکن است نوشتنی باشد، ولی محتوای اولین آزمون ترجیحاً باید غیر کلامی باشد و فقط از تصاویر، نمودارها و الگوها در آن استفاده شود. در آزمونهای بعدی از بچه‌هایی که در خواندن ضعیف هستند نباید نمره‌ای کم شود. در باره نتیجه نهایی، "رنسه زازو"^۹ روان‌شناس فرانسوی، توصیه می‌کند که به صورت یک



دانش آموز کند ذهن است؛ در حالی که وی استعداد برجسته‌ای در ریاضی داشت و جدا از برنامه مدرسه به مطالعه پرداخته، خلاقیت خارق‌العاده خود را بروز داد. در گذشته معلمان تصور می‌کردند که بین استعداد تحصیلی و خلاقیت همبستگی بالایی وجود دارد، ولی این تصور واقعیت ندارد. به عنوان مثال، "پال تارنس" اظهار می‌دارد: "قسمت اعظمی از آزمونهای هوشی روی قوه شناخت، حافظه و تفکر همگرا تأکید دارند... در واقع اگر درصد باشیم کودکان را براساس آزمونهای هوشی مشخص سازیم، تقریباً هشتاد درصد از خلاقیت هوشی کودکان را از این گونه بررسی حذف خواهیم کرد. به نظر می‌رسد که این درصد در تمام سطوح تحصیلی، از کودکان تا

محدوده دو نمره‌ای مثل ۱۰۲ تا ۱۰۷، یا ۱۱۴ تا ۱۱۸ داده شود و به صورت یک نمره نباشد.

ارزیابی ضریب هوشی دانش‌آموزان باید با عملکرد آنها در کلاس مقایسه شود. معمولاً بچه‌ای که در آزمون هوشی نمره خوبی کسب کرده است در کار مدرسه‌اش نیز خوب عمل می‌کند. آزمونهای هوشی موقعی ارزش واقعی دارند که ماکودکی را پیدا کنیم که در مدرسه علاقه کمی نشان می‌دهد ولی در آزمونهای هوشی نمره ضریب هوشی او بالای متوسط است. در مورد چنین کودکی ممکن است سطح توقع از او در گذشته کم بوده یا شاید دچار نوعی اختلالات یادگیری، یا ناتوانیهای خاص ناشی از کمبود محبت و عدم حمایت مناسب، عدم احساس تعلق به گروه و احساس ناامنی در خانواده باشد که مستلزم تشخیص دقیق و اقدامات درمانی است.

آزمونهای هوشی در واقع "آزمونهای توانایی عمومی" است. به عنوان نمونه آزمون "اوتیس" ۱۱ دارای چند نوع سؤال در زمینه‌های زبان، ریاضیات، استدلال کردن، تشخیص روابط بین اجزاء، فواصل و فضاهاست. اجرای این آزمون در مورد دونفر ممکن است تواناییهای عمومی آنها را یکسان نشان بدهد، ولی در تواناییهای خاص متفاوت باشند. بنابراین، ممکن است دونفر از لحاظ تواناییهای عمومی یکسان باشند ولی در زمینه‌ای خاص تواناییهای متفاوتی از خود نشان دهند.

برخی از محققان از روی کنجکاوئی میزان هوش برخی از افراد مشهور را ارزیابی کرده‌اند. "آلبرت اینشتین" از جمله اشخاصی است که در یادگرفتن مهارتهای کلامی بسیار کند بود، به طوری که معلمانش احساس می‌کردند او یک

خود کودکان مورد ملاحظه قرار گیرد، می تواند نقش مهمی در تعیین توقعات معقول از دانش آموزان داشته باشد. با این همه، نیاز به وجود آزمایشگرهای صلاحیتدار در زمینه های انتخاب آزمون، اجرا، نمره گذاری و تفسیر نمره ها مشهود است.

درموقع تفسیر ضریب هوشی دو عامل گمراه کننده خاص وجود دارد که باید از آنها اجتناب شود. اول اینکه اگر دانش آموزی دارای ضریب هوشی بالایی است، به این معنا نیست که او در مدرسه، یا در دانشگاه حتماً موفق خواهد شد؛ و دوم اینکه هرگاه دانش آموزی دارای ضریب هوشی پایینی است، این امر لزوماً بدان معنا نیست که او قادر به کسب موفقیت در رشته های متفاوت نخواهد بود.

از طرف دیگر، کودکی با ضریب هوشی پایین تر از متوسط گرچه ممکن است مشکلاتی در یادگیری خواندن در کلاس اول یا فهمیدن اعداد کسری در کلاس پنجم داشته باشد، اما این بدان معنا نیست که او قادر به چنین کاری نیست، بلکه معنای آن این است که از او نباید توقع خوب عمل کردن در این زمینه ها را داشت تا بزرگتر شود. فرض کنید ضریب هوشی کودکی ۸۰ است. این خارج قسمت نمایانگر "سن عقلی" نامیده می شود، یعنی توانایی او در حد ۸۰ درصد سن تقویمی او است. به عنوان مثال، اگر این کودک ۱۰ ساله باشد سن عقلی او ۸۰ درصد ۱۰ ساله ها، یعنی در حد ۸ ساله است. بنابراین بهتر است که از او توقع انجام کارها و مسائلی را داشته باشیم که انجام کارها و مسائلی را داشته باشیم که متناسب با حد متوسط ۸ ساله ها باشد. همچنانکه او بزرگتر می شود توانایی اش نیز

بالاترین سطح آموزش عالی، صدق می کند." ۱۱
بنابراین، ضریب هوشی معمولاً با موفقیت عمومی تحصیلی ارتباط دارد، نه با توفیق در یک زمینه خاص.

غالباً میان متخصصان روان شناسی و آموزش و پرورش در باره ارزش ضریب هوشی بحث و سؤالاتی از جمله نمونه های زیر مطرح می شود:

۱- آیا آزمونها استعداد های اثری را می سنجند؟

۲- آیا این آزمونها در جهت تعیین توانایی کودک در برخورد با مطالب درسی و تکالیف مدرسه که اغلب مستلزم حافظه و تمرکز حواس است کمک می کند؟

۳- چه محیطی ممکن است به استعدادهای اثری لطمه بزند؟

۴- توارث چه نقشی در هوش دارد؟

۵- آیا هوش تغییر ناپذیر است یا می توان آن را پرورش داد؟

نظریات در باره تمام این سؤالات بسیار متفاوت است. به عنوان مثال، "کالتون" ۱۲ (۱۸۶۹) بر اهمیت توارث در پیشرفتهای خلاقیت تأکید می کند و "کاتل" ۱۳ (۱۹۱۵) برای محیط اهمیت بیشتری قائل است. در هر حال، استفاده از آزمونهای هوشی در جوامع گوناگون تا حد زیادی شبیه به وضع بهره گیری از آنها در دهه دوم قرن حاضر در آمریکا است که غالباً کاربرد آزمونها بدون تشخیص صحیح رایج شده است. می توان قبول کرد که این آزمونها در اصل با دقت ساخته شده اند، عینیت دارند و نسبتاً قابل اطمینان هستند، بخصوص اگر نتایج چند آزمون همبستگی نزدیک داشته باشند. اگر نتایج این آزمونها همراه با مشاهدات معلم و علائق

نمرات تست هوشی و چگونگی سازگاری و موفقیت در زندگی روزمره آنان مشخص می شود.

کودکان از لحاظ سرعت یادگیری متفاوت هستند. مریبان کودک باید این واقعیت را بپذیرند و از تمام کودکان بخصوص از بچه های کودکستانی، توقع نداشته باشند که هر مهارتی را در محدوده یک زمان خاص یاد بگیرند. اما متأسفانه، نظام آموزش و پرورش ما غالباً معلمان را مجبور می کند تا به جای فراهم کردن تجربیاتی که بهتر با استعدادها و نیازهای کودکان تناسب داشته باشد، سعی کنند تمام کودکان را در قالبی از انتظارات کلاسی خاص شکل دهند. گرچه کودکان از طریق تشکیل گروهها، مثلاً در کلاسهای درس، می توانند اطلاعات بسیاری را از معلم یاد بگیرند، مع ذلک برخی مواقع که مفاهیم جدید در کلاس مطرح می شود روش آموزش گروهی برای آنهایی که توانایی سریع در یادگیری دارند خیلی زود کسل کننده شده، برای آنان که در یادگیری کند هستند بسیار دشوار می گردد؛ به طوری که از لحاظ صرف وقت به توسط معلم، اقتصادی نیست و از جهت توجه به تفاوت های فردی در یادگیری، تمام کودکان به فکر کردن تشویق نمی شوند.

شاید طرح مباحث و نکات فوق موجب شود که دست اندرکاران بهداشت روانی و آموزش و پرورش کودکان و همچنین قانون گذاران و مدیران ذی ربط، چاره ای اندیشیده، قوانینی وضع کنند تا از استفاده های نادرست از طبقه بندی و برجسب زدن براساس نمرات ضریب هوشی جلوگیری به عمل آید.

بقیه در صفحه ۵۳

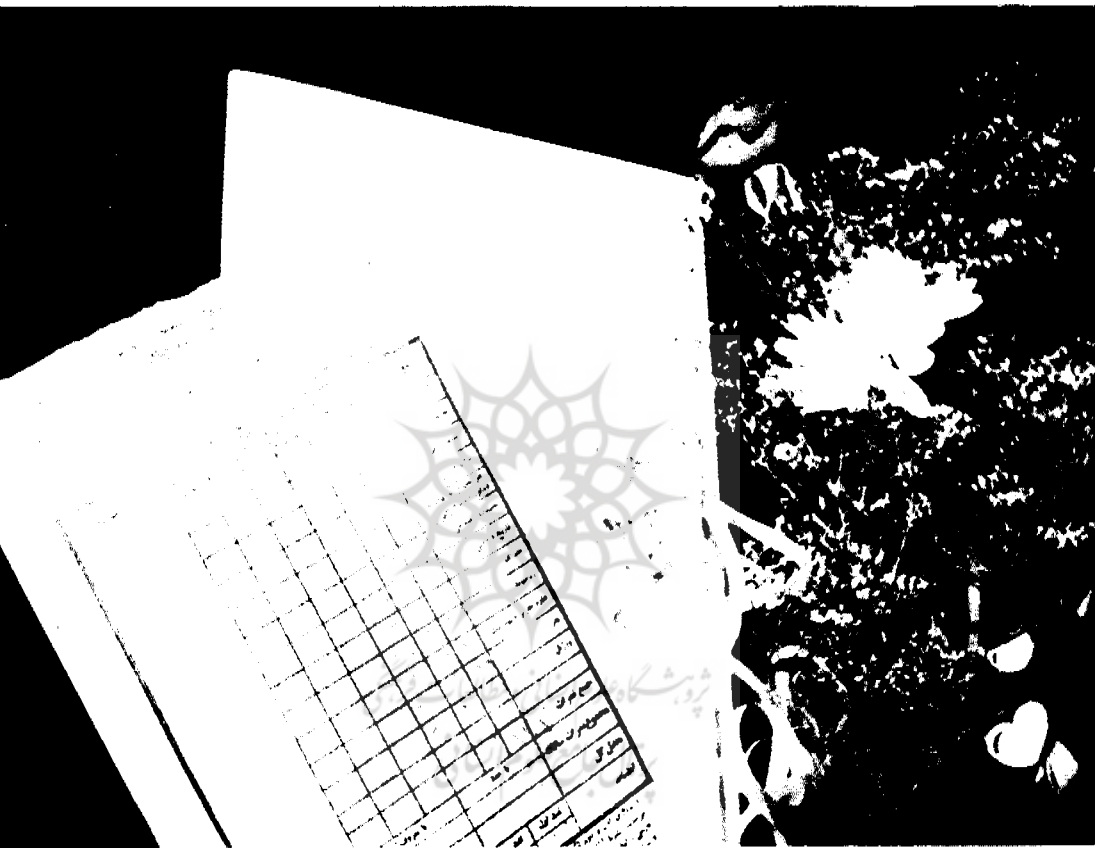
افزایش خواهد یافت و اگر چه در تمام جهات تسلط پیدا نمی کند، ولی ممکن است در زمینه های ویژه ای متخصص شود.

نتیجه گیری:

هوش شیئی قابل لمس نیست که بتوان آن را از لحاظ فیزیکی سنجید و اندازه گرفت. هوش قابل قیاس با قد، وزن و دیگر خصوصاتی که به آسانی اندازه گیری می شوند، نیست. هوش چیزی مثل کور رنگی نیست که انسان یا آن را دارد و یا ندارد. روان شناسان صرفاً در مورد یک تعریف از هوش توافق ندارند. در واقع، روان شناسان بیشتر اطمینان دارند که هوش چه نیست تا اینکه هوش چه هست. این وضع موجب بروز مشکل در تشخیص میزان هوش می شود. میزان هوش کودکان معمولاً براساس



بانتیجه امتحانات فرزندان چگونه برخورد می‌کنید؟



دانش‌آموز مؤثر است، درسی است که او می‌آموزد و به موقع از آن استفاده می‌کند. در همین زمینه یکی از مسائلی که عکس‌العمل والدین در مقابل آن برای دانش‌آموز اهمیت بسیاری دارد نتایج امتحانات وی است. همان گونه که می‌دانید والدین در این مورد به طرق مختلف عمل می‌کنند و حتی بعضی اوقات نوع برخوردشان بستگی به حالت خُلُقی آنان در

محمد رضا عابدی

همان‌طور که می‌دانید اساسی‌ترین پایگاه رشد و تربیت کودک، خانواده است. در خانواده است که کودک راه و رسم زندگی را می‌آموزد. چگونگی برخورد والدین با مسائل مختلف زندگی اعم از مسائل عادی، خوشحال‌کننده و نگران‌کننده علاوه بر اینکه در بهداشت روانی

بنابراین کارنامه‌ای مطلوبتر است که نمره‌های آن بیانگر تلاش فرد باشد. پس باید از میزان تقریبی استعداد کودک مطلع باشیم و بینیم با توجه به استعدادش چه فعالیتی انجام داده است. برای درک میزان استعداد دانش‌آموز راههای متفاوتی وجود دارد که یکی از این راهها توجه به نمره‌ها و وضع درسی او در سالهای قبل است.

۳- قبل از گرفتن و یا دیدن کارنامه سعی کنید نمرات درسها را حدس بزنید، تا متوجه شوید چقدر در پیش‌بینی وضع درسی فرزندان موفق هستید.

۴- حتی‌الامکان سعی کنید خودتان برای گرفتن کارنامه فرزندان به مدرسه بروید و منتظر نباشید تا او کارنامه‌اش را بیاورد.

ب) نکاتی که هنگام دریافت کارنامه باید مورد توجه قرار دهید:

۱- در موقع دیدن کارنامه و قبل از هرگونه واکنشی روزی را به یاد آورید که کارنامه خود را به والدیتان نشان می‌دادید. در آن هنگام چه واکنشی را از آنان توقع داشتید و اگر چگونه عمل می‌کردند شادتر می‌شدید و در عین حال انگیزه شما برای تحصیل بیشتر می‌شد؟

۲- اکنون کارنامه فرزندان در دست شماست و او هم روبرویتان ایستاده است. چگونه به او می‌فهمانید که برای نتایج کارش ارزش قائلید؟ لازم است در این مورد چند دقیقه وقت صرف کنید. یکبار از اول تا آخر کارنامه را نگاه کنید، روی نمرات مکتب نمایید، نمرات درسهای مختلف و احیاناً نلث‌ها را با یکدیگر مقایسه کنید، نمرات خوب یا خوبتر را

لحظه دریافت نتیجه امتحانات دارد. مثلاً اگر خوشحال باشند شاید حتی نتایج ضعیف دانش‌آموز نیز آنان را زیاد متأثر نسازد.

خوب اکنون سؤال ما این است که شما در برخورد با کارنامه فرزندان چه می‌کنید؟ شاید بگویید بستگی به نوع کارنامه دارد. اگر نمرات فرزندان خوب باشد چه می‌کنید؟ و اگر نمراتش ضعیف باشد چه واکنشی نشان می‌دهید؟

در این مقاله نکاتی در مورد چگونگی برخورد با کارنامه دانش‌آموزان بیان می‌شود. امید است با مطالعه آنها و یافتن بهترین راه حل بتوانید به انگیزه فرزندان برای ادامه تحصیل بپردازید.

الف) نکاتی که قبل از دیدن کارنامه باید در نظر داشته باشید:

۱- چرا مدرسه در سه نوبت از دانش‌آموزان امتحان می‌گیرد و کارنامه را برای والدین می‌فرستد؟ یکی از علل آن دادن هشدار در مورد وضع درسی دانش‌آموز به خود او و شماست. بنابراین کارنامه سه ماهه اول و دوم در واقع هشدار به دانش‌آموز و والدین اوست. پس اگر نتیجه مثبت باشد، باید رفتار کودک تقویت شود و اگر منفی است، باید برنامه‌ای برای جبران آن تنظیم گردد.

۲- بهترین کارنامه چه کارنامه‌ای است؟ شاید در بین عموم مردم بهترین کارنامه، کارنامه‌ای است که همه نمرات آن ۱۹ و ۲۰ باشد. اگر این گونه فضاوت کنیم در واقع تواناییهای کودک را نادیده گرفته‌ایم. یادمان باشد که استعدادهای کودکان با هم فرق دارد.

کنید) مثلاً چون در ریاضی ضعیف هستی و علت آن این است که در این درس پایه‌ای قوی نداری، از امروز باید روزی یک ساعت کتابهای سال قبل را مرور کنی و... به هر حال در اتخاذ تصمیم با یکدیگر تبادل نظر کنید و اجازه دهید تصمیم نهایی را فرزندان بگیرد.

مورد توجه قرار دهید و برای تلاشی که در کسب آنها صورت گرفته به او آفرین بگویید (نمونه: آفرین عزیزم که در درس علوم نمره ۱۷ گرفته‌ای و...).

ج) برخورد با کارنامه‌های مختلف:

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان گفت سه نوع کارنامه وجود دارد:

- ۱- کارنامه‌ای که در آن همه نمرات خوب و عالی است.
- ۲- کارنامه‌ای که نمرات آن بطور کلی متوسط است.
- ۳- کارنامه‌ای که نمرات ضعیفی را نشان می‌دهد.

- برخورد با کارنامه‌ای که همه نمراتش ضعیف است:

ممکن است بیشتر و یا گاهی همه نمرات فرزندان ضعیف باشد. ملاحظه می‌کنید در این مورد کار دشوارتر است، خصوصاً اینکه احساسات پدر - فرزندی یا مادر - فرزندی در میان است و با توجه به احساس مسؤلیتی که در قبال او دارید ممکن است بر سرش داد بزنید، به او توهین کنید و یا او را از خود برانید. باید بینیم هدف از این کارها چیست؟ مسلماً اکثر والدین خواهند گفت برای اینکه در دفعات بعد نمراتش بهتر شود، ولی باید بدانید راه فوق شما را به این هدف نمی‌رساند. پس چه باید کرد؟

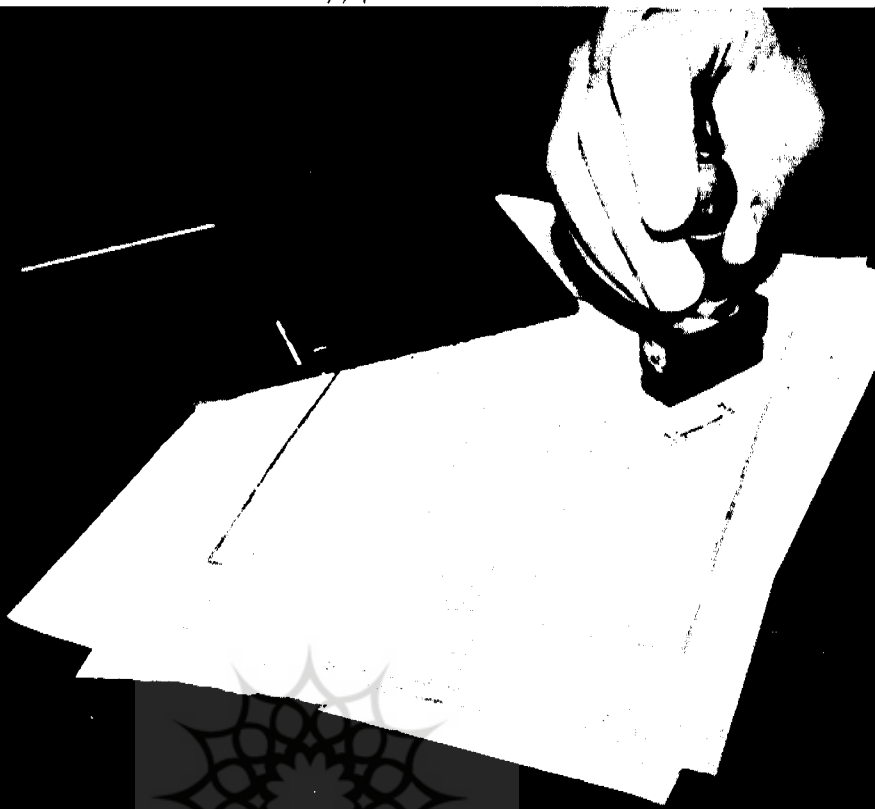
در این مورد نیز اگر نمره خوب یا نسبتاً خوبی در کارنامه وجود دارد به آن اشاره کنید (یعنی بگویید نمره جغرافیات ۱۲ است، آفرین، خوب است). اگر همه نمرات در سطح پایین است باز می‌توانید به یکی از نمرات که کمی بالاتر از بقیه است اشاره کنید، سپس علت ضعیف بودن نمرات را از خودش جویا شوید. مواظب باشید طوری سؤالتان را طرح کنید که از شما نهراسد و سکوت اختیار نکند. همه راههای ممکن را با یکدیگر بررسی کنید و به فرزندان اطمینان دهید که شما حامی او هستید. اگر فرزند شما بعد از بررسی علل و کشف علت اصلی، تلاش و کوشش را آغاز کرد تا آنجا که

- برخورد با کارنامه خوب و عالی:

اگر همه نمرات خوب و عالی است، با چهره‌ای شاد به فرزندان تبریک بگویید. سپس کارنامه را به خودش بدهید تا نمراتش را برایتان بخواند و شما نیز با کلمات مرحبا، آفرین و ... بلافاصله احساسات را ابراز کنید.

- برخورد با کارنامه متوسط:

اگر بین نمرات متوسط و احیاناً خوب فرزندان نمرات ضعیف هم یافت می‌شود، بعد از اینکه روی نمرات خوب او تأکید کردید از وی بپرسید: به نظر خودت چرا در فلان درس مثلاً دیکته نمره‌ات بهتر از ریاضی شده است؟ با این سؤال ذهن او را تحریک می‌کنید که مسائل و مشکلات مختلف را بیان کند. بعد از بیان مسائل گوناگون و به اصطلاح کشف علت‌ها و ضعف‌ها، برای جبران آنها برنامه‌ای تنظیم



تذکرات لازم:

۱- یادتان نرود که در هر سه حالت فوق تفاوت‌های فردی را در نظر بگیرید و فرزندان را با هیچ‌کس دیگر مقایسه نکنید. تنها نمراتش را با یکدیگر و یا با نمرات نوبت‌های مختلف بسنجید (مثلاً نمره فارسی ثلث اول را با نمره فارسی ثلث دوم مقایسه کنید). ممکن است نمرات فرزندان با یکدیگر متفاوت باشد، در این صورت به هیچ وجه نمرات یکی را به رخ دیگری نکشید.

۲- وقتی نمرات فرزندان ضعیف است یک طرفه قضاوت نکنید، یعنی تنها او را مقصر ندانید. آیا خود شما به عنوان والدین در این

امکان دارد شرایط فعالیت را برایش مهیا سازید، به او قوت قلب بدهید و متذکر شوید که هنوز دیر نشده است. خاطر نشان کنید که این نتیجه در واقع زنگ خطری است که باید از آن برای کسب پیروزیهای بعدی حداکثر استفاده را بکند (نمونه: بین عزیزم علت اینکه نمرات تو ضعیف بوده، یکی این است که تا کنون من نسبت به درس‌هایت توجه کافی نداشته‌ام و کتابهای دیگری را که در فهم درسها به تو کمک می‌کند، برایت تهیه نکرده‌ام. ثانیاً خود تو هم برای درس‌هایت وقت کافی نگذاشته‌ای. پس از امروز باهم برنامه‌ای در این مورد تنظیم می‌کنیم. اگر در انجام برنامه دچار خستگی شدی به من بگو تا برای اجرای بهتر آن با یکدیگر تصمیم‌گیری کنیم).

دروس ضعیف است مورد تسمخه سایر اعضای خانواده قرار نگیرد.

۹- آبروی او را نبرید، مواظب شخصیتش باشید، یعنی به او برچسب‌هایی نظیر کودن، کم‌هوش و غیره نزنید و درعین حال سایر جنبه‌های وجودش را مورد توجه قرار دهید. مثلاً اگر هنرمند، مؤدب، مؤمن و... است، این صفات را به او یاد آوری کنید و با تأکید بر نکات مثبت، در وی انگیزه فعالیت ایجاد کنید. (نمونه: این نقاشی‌های خوبت نمایانگر هنر توست، پس می‌توانی در درس فارسی نیز با تلاش و کوشش موفق شوی).

ه) به کجا مراجعه کنید: _____

۱- یادتان نرود که در موارد فوق به مدرسه مراجعه و با مدیر و معلمان مشورت کنید. این مشورت شما را در پیدا کردن علت مشکل و بهترین راه حل یاری می‌رساند.

۲- اگر در مورد علل ضعف درسی فرزند خود با توجه به نکات بالا به نتیجه نرسیدید با فردی متخصص در این زمینه مشورت کنید. ستاد تربیتی در مدارس، هسته مشاوره در مناطق و کلینیک مشاوره و درمان اداره کل می‌تواند در این زمینه یاریگر شما باشد.

منابع:

۱- مجلات پیوند

۲- قائمی، علی، مسائل مدرسه‌ای کودکان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران، ۱۳۶۹

مورد وظایف‌تان را بخوبی انجام داده‌اید؟ آیا الگوی تلاش و کوشش برای او بوده‌اید؟ آیا جریان تحصیل او را دنبال کرده‌اید؟ آیا محیط خانه برای درس خواندن مناسب بوده است؟ و یا عواملی دیگر از جمله دوستان، تماشای بیش از اندازه برنامه‌های تلویزیون، مهمانیهای مکرر، ضعف جسمانی، بیماری و... نیز در این مورد مؤثر بوده است؟

۳- سطح هوشی و استعداد فرزند خود را در نظر بگیرید و به اصطلاح در حد توانش از او توقع داشته باشید.

۴- بدون تردید بجز سطح هوشی و میزان تلاش، عوامل متعدد دیگری مثل نحوه نگرش دانش‌آموز به درس و مدرسه، میزان رغبت و علاقه‌اش نسبت به درس، شرایط عاطفی، سلامت جسمانی، برخورداری از انگیزه کافی، همچنین معلم یا معلمان، مدیر و ناظم، مربی پرورشی و مشاور نیز در نتیجه امتحانات فرزند شما دخیل هستند.

۵- به یاد داشته باشید که حتماً باید به کشف علت ضعف فرزندتان اقدام کنید. بدون یافتن علت، برنامه‌ریزی‌های بعدی با شکست مواجه خواهد شد.

۶- اگر به کارنامه فرزندتان توجه نکردید یا در صدد کشف علت کاستیها برنیامدید و یا برای جبران ضعف وی برنامه‌ریزی نکردید، توقع نداشته باشید نتایج کارش در آخر سال درخشان باشد.

۷- در هیچ یک از موارد فوق از تنبیه بدنی استفاده نکنید. تنبیه راه حل مشکل فرزندتان نیست، بلکه راهی غیر منطقی برای خالی کردن خشم شماست.

۸- مواظب باشید فردی که در بعضی

پاورقیها

۱ - ضریب هوشی شاخصی از میزان رشد جنبه‌های خاصی از هوش در دوران کودکی است. این شاخص از طریق تقسیم سن عقلی فرد به سن تقویمی، ضرب در عدد ۱۰۰ به دست می‌آید.

2 - ALFRED BINET

3 - L.M. TERMAN

4 - STANFORD BINET

5 - A.S. OTIS

6 - WECHSLER

7 - WECHSLER BELLURE

۸ - بارنت، آنتونی، انسان، ترجمه محمد رضا باطنی، ماه طلعت نصرآبادی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳، صفحه ۲۰۱

9 - RENE ZAZZO

10 - OTIS SELF - ADMINISTERING INTELLIGENCE

11 - PAUL TORRANCE, GUIDING CREATIVE TALENT, (ENGLEWOOD CLIFF, N.J. PRENTICE HALL, TNC., 1962) P.16

12 - CALTON

13 - CATTEL

منابع

۱ - آناستازی، آن، روان‌آزمایی، ترجمه محمد تقی براهنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.

۲ - بارنت، آنتونی، انسان، ترجمه محمد رضا باطنی، ماه طلعت نصرآبادی، نشر نو تهران، ۱۳۶۳.

۳ - راینسون، هالبرت جی، کودک عقب مانده ذهنی، ترجمه فرهاد ماهر، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶.

۴ - گلاگر، جیمز، آموزش کودکان تیزهوش، ترجمه مهدی زاده واحمد رضوانی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹.

۵ - مکدوگال، ویلیام، روان‌شناسی عملی برای همگان، ترجمه وحید مازندرانی، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۲.

۶ - هاشمی، ابراهیم حسن، آزمونهای روانی، انتشارات شرکت سهامی تهران، ۱۳۶۰.